

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه، ۰۴ مارچ ۲۰۲۲

دوکتور نوراحمد خالدی

افغانستان: امروز و فردا!

قسمت دوم

تشکیل حکومت موقت طالبان:

اشغال کابل و ولایات شرقی توسط جنگجویان گروه حقانی صورت گرفت و ترکیب حکومت موقتی طالبان نشان داد که قدرت اصلی نیز بدست همین گروه بوده گروه مذاکره کننده طالبان در دوحه به نقشهای درجه دوم تنزیل یافته اند. ششماه گذشته نشان داد که قدرت اصلی در دست سراج الدین حقانی سرپرست وزیر داخله طالبان قرار دارد و رییس الوزرای دولت امارت اسلامی صرف یک چهره سمبولیک میباشد. از مولوی هبت الله امیرالمؤمنین طالبان هیچ خبری در دست نیست، نه کسی او را دیده است و نه در کدام مصاحبه، نشست، یا مجلسی ظاهر شده است. رییس دولت امارت اسلامی افغانستان در قرن بیست و یکم و عصر معلومات دستجمعی دیجیتال موبایل، توئیتر، فیسبوک، انستاگرام و غیره غایب است و مردم افغانستان در این عصر چهره، عکس، و یا ویدیوی رییس دولت خود را در شش ماه ندیده اند و صدای مبارک او را نشنیده اند.

پالیسیهای دولت امارت اسلامی طالبان:

ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان اعلام کرد که تاکید بر (قانون شریعت) است. و هر آنچه که با این قانون مطابقت داشته باشد قابل پذیرش است. طالبان پس از تسخیر کابل، عفو عمومی برای کارمندان دولت را اعلام کرد و متعهد شدند، که امنیت ساکنان کابل را تضمین کنند. در حالی که نشانه ها در ظاهر به قصد آنها برای ایجاد یک حکومت فراگیر متشکل از افراد متعلق به اقوام و گروههای

مذهبی و زبانی مختلف ادامه دارد اما طالبان هیچگونه گروه سیاسی و حزب را برسمیت نخواهند شناخت و اجازه فعالیت نخواهند داد.

در طول بیست سال جنگ به هدف ختم اشغال خارجی و تشکیل مجدد دولت امارت اسلامی، طالبان هیچ سندی، اعلامیه و مانیفستی از خط مشی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود منتشر نکردند. در طول شش ماه بعد از ایجاد مجدد دولت امارت اسلامی باز هم طالبان هیچ سندی، اعلامیه و مانیفستی از خط مشی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود منتشر نکرده اند.

طالبان کدام قانون اساسی، نظامنامه و اصولنامه که بیانگر سیاستها و عملکرد دولت آنها باشد منتشر نکرده اند. گفته شده که قانون اساسی سال ۱۹۶۴م عصر پادشاهی محمد ظاهر شاه را بدون در نظر داشت احکام غیر مربوط اجرا میکنند. آیا طالبان به موجودیت یک قانون اساسی برای اداره دولت خود ضرورت دارند؟ این موضوع تا حال روشن نیست. بخاطر دارم در سالهای آخر دهه هشتاد در یک صحبت با یکی از حرفداران حزب اسلامی حکمتیار که مسئول نشر جریده حزب بود موصوف اصرار میکرد که "قرآن مجید" قانون اساسی آنها میباشد. شاید هم طالبان همین نظر را دارند.

تأکید طالبان صرف ایجاد یک دولت اسلامی و انفاذ شریعت اسلامی میباشد به گونه ای که به نظر آنها برداشت همه از شریعت اسلامی همان است که طالبان میپندارند. در حالیکه کنفرانس چند ماه قبل ۵۶ کشور اسلامی جهان در اسلام آباد نشان داد که هیچ یک از کشورهای مذکور بشمول پاکستان با تفسیر طالبان از شریعت اسلام، بخصوص در قسمت حقوق زنان، توافق ندارند.

قدرت یابی طالبان بر مبنای اصل "النصر بالرعب" یا پیروزی با وحشت آفرینی است. بنابراین این امر میتواند ترسیم کننده آینده سیاسی افغانستان تحت حاکمیت طالبان باشد. بنابراین، تبدیل جمهوری اسلامی افغانستان به امارت اسلامی افغانستان در نهایت منجر به تاسیس یک حکومت عمیقاً سرکوبگر و خودکامه خواهد شد. حکومتی که از بدو ورود خود زنان افغانستان را به بهانه عدم کنترل کافی بر نیروهای خود، خانه نشین کرده است. یکی از رهبران طالبان در قندهار با شعف اظهار داشت که "امروز در تمام شهر قندهار بجز از چند گدا، هیچ زنی در سرکها دیده نشد". بر اساس صحبتهای مولوی عبدالحق حماد در برنامه فراخبر تلویزیون طلوع "اختلاط زن و مرد" جایز نیست به این اساس طالبان به اصل جدایی زنان از مردان (اپارتاید جنسیتی) معتقد اند. به گفته های این عالم این جدایی در مکاتب ثانوی، پوهنتونها و موسسات تعلیمات عالی، ادارات و سایر مراکز کار باید عملی شور و زنان و مردان در اوقات متفاوت در این مراکز به تحصیل و کار به پردازند.

دست آوردهای شش ماهه طالبان کدامها اند:

- کنار زدن قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی؛
- انفاذ شریعت اسلامی مطابق تفسیر خود طالبان که عبارت است از تعبیر تحت اللفظی احکام قرآنی، سنتهای محمدی و احادیث نبوی؛
- ختم جنگ بعد از تسلیمی و اضمحلال اردو، امنیت ملی و پولیس ملی؛
- خانه نشین کردن زنان افغانستان به بهانه عدم کنترل کافی بر نیروهای خود؛
- محدود کردن حق تحصیل اناث؛
- محدود کردن حق کار اناث؛
- ممنوع کردن اناث از رفتن به حمام؛
- محدود کردن اناث از حق خارج شدن از منزل و مسافرت؛
- محدود کردن اناث از حق استفاده از تکسی و بسها؛
- وابسته و غلام ساختن اناث به مردان زیر عنوان محرم؛
- محدود کردن اناث از حق لباس پوشیدن مطابق دلخواه؛
- اجباری ساختن چادر و حجاب توسط اناث؛
- گرفتن حق تراشیدن ریش از مردان؛
- گرفتن حق نپوشیدن کلاه از مردان؛
- گرفتن حق تشکیل احزاب و سازمانهای سیاسی و اجتماعات توسط مردم؛
- سپردن تمام اداره ملکی و نظامی کشور بدست ملاها و طالبان؛
- سلب کردن آزادیهای مدنی، اجتماعی و فردی با گماشتن محتسبان امر به معروف و نهی از منکر؛

• سلب کردن مردم از حق لذت بردن از موسیقی و هنر های زیبا.

باوجودیکه لست بالا کامل نیست اما متأسفانه هنوز آغاز کار است حالا دوباره برگشته ایم به ۹۳ سال قبل به عصر زمامداری جاهلیت حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقاو. هنوز بیش از شش ماه از حاکمیت طالبان نگذشته با گذشت زمان خطرآن موجود است که محدودیت های وضع شده بالای حقوق انسانی و مدنی مردم وبخصوص بالای اناث بیشتر و شدید تر گردد.

ذبیح الله مجاهد در یک مصاحبه مطبوعاتی در اشاره به اینکه در سایر کشورهای اسلامی و بخصوص در مالیزیا و اندونیزیا به حقوق اساسی مردم و بخصوص حقوق زنان زیر شریعت اسلامی

برخورد متفاوت صورت میگیرد پاسخ داد که "این کشورها برای انفاذ شریعت مانند طالبان ۴۰ سال جنگ نکرده اند. طالبان حاضر نیستند که بعد از ۴۰ سال جنگ باز هم مردم آزاد باشند که هرچه دلشان میخواهد انجام دهند".

هرگاه این جریان ادامه یابد افغانستان برای مردم به یک جهنم در روی زمین مبدل خواهد شد تا در عوض طالبان به وصال حور و غلمان در بهشت نایل گردند!

طالبان و خواسته های جامعه جهانی:

تجربه شش ماه گذشته همچنان نشان داد که طالبان از مواضع و افکار افراطی بیست سال قبل خود هرگز عدول نکرده اند. همچنان که بیست سال قبل "حقوق زنان" مانع برسمیت شناختن رژیم آنها از جانب جامعه جهانی بود، امروز همچنان "حقوق زنان" مانع اصلی شناخت رسمی رژیم آنها از طرف جامعه جهانی است.

شرط های جامعه جهانی برای شناسایی رسمی دولت طالبان در مواد آتی خلاصه میگردد:

۱. ایجاد یک دولت همه شمول؛
۲. رعایت حقوق اساسی مردم و بخصوص حقوق زنان برای تحصیل و کار؛ و
۳. جلوگیری از گروههای تروریستی در استفاده از خاک افغانستان برای حمله و نفوذ به سایر کشورها.

در افغانستان بسیاری مردم از تکرار شعارهای حکومت همه شمول با توجه به عدم پذیرش نتایج سه انتخابات پیهم ریاست جمهور توسط عبدالله عبدالله و تاکید او بر ایجاد یک حکومت همه شمول خاطره های بدی دارند. تعریف مشخصی هم در این مورد موجود نیست. هرگاه هدف بعضی کشورها مانند امریکا، پاکستان، ایران و روسیه شمولیت مجدد رهبران تنظیمهای جهادی سابقه در دولت طالبان باشد اینگونه حکومت همه شمول مورد قبول ملت افغانستان نمیباشد. بر همین اساس امیر خان متقی از نماینده اتحادیه اروپا در کانفرانس ماه جنوری اسلو پرسید که تعریف آنها از حکومت همه شمول چیست؟

تام وست نماینده خاص امریکا برای افغانستان اعلام داشت که تعریف حکومت همه شمول مربوط به خود افغانهاست. ظاهراً در میان سخنگویان طالبان و یکتعداد مبصرین افغان برداشت نادرستی از عدم موجودیت حکومتهای همه شمول در دموکراسیهای کشورهای غربی وجود دارد. به نظر آنها اینکه در دموکراسیهای غربی اعضای حکومتهای بر سر اقتدار را صرف اعضای حزب بر سر

اقتدار تشکیل میدهد نشان میدهد که در این کشورها حکومت‌های همه شمول موجود نیستند. در حالیکه در کشورهای دموکراسی میکانیزم‌های دیگری برای سهمگیری مردم در دولت وجود دارد. حکومت‌های کشورهای دموکراسی در مقابل پارلمان‌های کشورهای خود مسولیت دارند و تمام پالیسی‌ها و اقدامات حکومت بعد از تصویب از طرف پارلمانها قدرت اجرایی حاصل میکنند. در پارلمانها تمام احزاب سیاسی و فشار جامعه نمایندگی دارند و از آن طریق در تصامیم و اجراءات حکومت سهم میگیرند.

در حالیکه در حکومت طالبان تا کنون کدام شورای ملی وجود ندارد بنابراین آن لازم است تا دولت امارت اسلامی طالبان لویه جرگه عنعنوی مردم افغانستان را دعوت نموده خط مشی و برنامه‌ها و حتی مسوده یک قانون اساسی جدید را برای تصویب به آن ارایه نموده از جانب ملت افغانستان مشروعیت سیاسی کسب نمایند.

هستند تعدادی که تشکیل لویه جرگه را قبول نداشته تاکید به ريفراندوم و یا انتخابات میکنند. انتخابات هرگاه برای تعیین اعضای لویه جرگه صورت بگیرد موجه میباشد در غیر آن در عدم موجودیت یک قانون اساسی اجرای انتخابات به چه هدفی خواهد بود؟ آیا برای انتخاب امیر المومنین خواهد بود؟ یا برای تعیین یک شورای ملی؟ بنابراین آن در عدم موجودیت یک قانون اساسی اجرای انتخابات یک خواست بیجا و بی وقت است. در افغانستان تمام قوانین اساسی توسط لویه جرگه‌ها تصویب شده اند. در آینده هم همینطور خواهد بود. یکی از حامیان "جبهه مقاومت" در یک مصاحبه تلویزیونی اخیرا تاکید میکرد که باید ريفراندوم صورت بگیرد که آیا "جمهوریت میخواهید یا امارت؟" اجرای ريفراندوم در افغانستان سابقه ندارد و ساده سازی سرنوشت افغانستان به دو نام جمهوریت و امارت هم هیچ دردی را دوا نمیکند. مسوده یک قانون اساسی باید بطور همه جانبه توسط نمایندگان ملت در یک لویه جرگه مورد بررسی و موشگافی قرار گرفته به اکثریت دو ثلث اعضا به تصویب برسد و هرگونه انتخابات و یا ريفراندوم مطابق به احکام شامل چنین یک قانون اساسی تنظیم و اجرا گردد. طالبان به تکرار تایید کرده اند که به هیچ گروه تروریستی اجازه نخواهند داد تا خاک افغانستان را برای فعالیت‌های دهشت افگنی در سایر کشورها طرف استفاده قرار دهند. اما آیا این امر امکان دارد؟ اکثر این گروه‌ها از نظر فکری با طالبان هم‌منظر هستند و در طول بیست سال جنگ طالبان با آنها شانه به شانه در اطراف و اکناف کشور در مقابل نیروهای امنیتی دولت جمهوری اسلامی افغانستان جنگیده بودند. همچنان نباید فراموش کنیم که مبارزه نظامی طولانی طالبان برای بازپس گیری قدرت تا حد زیادی غیر متمرکز بوده، و اساسا تحت فرمان، فرماندهان منطقه ای و محلی

بود. این فرماندهان به همراه آموزش های سنتی به نیروهای خود، نقش مهمی در تعیین معنای حکومت طالبان برای اکثر افغان ها خواهند داشت. این مطالب را کشورهای منطقه میدانند و از این جهت نگرانیهای آنها واهی بنوده متکی به حقایق موجود در دهات و قصبات افغانستان میباشد. از این جهت کشورهای همسایه شمالی بشمول چین و همچنان ایران و هندوستان از موجودیت گروههای تروریستی در افغانستان و سابقه همکاری طالبان با آنها نگران هستند. حتی پاکستان اخیراً بعد از حملات تحریک طالبان پاکستان و اردوی آزادیبخش بلوچ بالای اهداف نظامی در پاکستان از نفوذ گروههای تروریستی از خاک افغانستان به پاکستان شکایت دارد و هندوستان را متهم به حمایت از این گروهها میکند. دولت چین از موجودیت تعهدات پنهانی طالبان با امریکا در قسمت اجازه دادن به سی آی آی برای کمک به جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ای تی آی ام) برای بی ثبات سازی ایالت سینکیانگ چین توسط ویغور ها نگران است. جنگجویان ویغورها در بدخشان افغانستان فعال هستند. به خاطر بیاوریم که وقتی ولسوالی ینگان بدخشان بعد از چهارسال بدست نیروهای دولتی جمهوری اسلامی افتاد مردم آنجا تایید کردند که جنگجویان ویغور چینیایی در آن ولسوالی موجود بودند. دولت های تاجیکستان و ازبکستان از جنبشهای اسلامی شکست خورده تاجیک و ازبک که فعلاً در شما افغانستان در کنار طالبان موجود هستند نگران اند. ایران از جنبش خراسان داعش و احتمال نفوذ آن به ایران نگرانی دارد. هندوستان نگران است که گروههای جهادی کشمیری تعلیم یافته و تجهیز شده توسط آی اس آی زمینه تجدید قوا در افغانستان پیدا نکنند.

پایان قسمت دوم